

گزارش نشست بررسی و نقد علمی دانشنامه هزاره

تهیه و تنظیم: محمد یوسف تقدسی^۱

اشاره:

آنچه در پی می‌آید خلاصه‌ای از نشست علمی «نقد و بررسی علمی دانشنامه هزاره» است که در تاریخ ۷/۱۱/۱۳۹۷ به همت انجمن علوم سیاسی و مجمع علما و طلاب بامیان و با همکاری معاونت پژوهش مجتمع آموزش عالی علوم انسانی و معاونت پژوهش مجتمع آموزش عالی فقه برگزار شد. این نشست علمی در یک فضای علمی و دوستانه با حضور استاد سید ابوطالب مظفری (رئیس علمی دانشنامه هزاره)، حجت الاسلام دکتر ناصری داوودی (استاد، پژوهشگر و نویسنده)، حجت الاسلام دکتر جواد محسنی (استاد، پژوهشگر و نویسنده)، حجت الاسلام عبدالعلیم برهانی (دانشپژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی) و با اجرای محمد یوسف تقدسی انجام پذیرفت.

^۱. دانش پژوه دکترای قرآن و علوم سیاسی / مجتمع آموزش عالی علوم انسانی

محمدیوسف تقدسی:

دانشنامه ها، دائره المعارف، encyclopedia از اهمیت و اعتبار بسیار بالایی برخوردار است زیرا در بردارنده ی اطلاعات دقیق و مهم در موضوعات مختلف جوامع بشری است و به عنوان یک منبع معتبر و جاویدان، قابل اعتماد و مورد استفاده پژوهشگران در سطح بین المللی قرار میگیرد به همین دلیل بنیادهای دانشنامه نویسی بادرک این اهمیت و جایگاه بلند جهت ارتقای کمی و کیفی مدخلهای دانشنامه تلاش می کنند:

۱. از خبره ترین نویسندگان کمک بگیرند.
 ۲. هر موضوع به نویسنده ای واگذار می شود که نسبت به آن موضوع تخصص و اشراف کامل دارد.
 ۳. به معتبرترین منابع مراجعه کنند.
 ۴. برای بررسی و باز بینی خبره ترین تیم را استخدام می کنند که مدخلها را مورد ررسی دقیق قرار میدهند و حتی نسبت به واژگان به کار رفته نیز حساس اند، یقیناً آنچه که روح و جان دانشنامگی به یک دانشنامه می بخشد، جدیت و قاعده مندی مدیریت مدخلها است.
 ۵. خبره ترین تیم ویراستار را به خدمت می گیرند.
 ۶. تدوین و تنظیم یک شیوه نامه جامع و دقیق.
 ۷. رعایت اصول دانشنامه نویسی
- دانشنامه هزاره به عنوان یک منبع جامع، ماندگار و جاویدان گامیست بلند در راستای ثبت تاریخ، هویت، فرهنگ و همه چیز به تاراج رفته ی جامعه هزاره تا بتواند چراغ روشنی باشد فراروی آیندگان و جویندگان حقیقت، همانطوریکه انتظار میرفت بعد از نشر اولین جلد این اثر مورد استقبال گسترده مردم به ویژه نخبگان و قشر تحصیل کرده قرار گرفت و محافل با شکوه رونمایی در شهرهای مختلف

برگزار گردید، اما بعد از مدت کوتاهی که محتوای دانشنامه مورد مطالعه قرار گرفت کجی‌ها و کاستی‌های آن برملا و مورد شدیدترین انتقادها قرار گرفت.

در ابتدا از جناب آقای سید ابوطالب مظفری رئیس علمی دانشنامه هزاره تقاضا نمودیم که ضمن ارائه گزارش اجمالی از روند تدوین دانشنامه، بفرماید که چه مقدار از معیارها و اصولی دانشنامه‌نویسی که مورد اشاره قرار گرفت در این دانشنامه رعایت شده است؟

سید ابوطالب مظفری

استاد سید ابوطالب مظفری پس از توضیحاتی در باره دانشنامه هدف خود از شرکت در این نشست را احترام به دوستان و برگزارکنندگان دانسته و سپس به نکاتی ذیل اشاره نمود:

نکته اول این است که ما در تدوین دانشنامه پنج اصل را مد نظر قرار دادیم اما اینکه چه مقدار نویسندگان ما به این اصول پایبند بوده و به چه اندازه از چوکات این اصول بیرون رفته و آن را زیرپا گذاشته از نقایص کار ماست و ما آنرا می‌پذیریم و اصلاح می‌کنیم.

پنج اصل عبارتند از:

۱. اصل بی‌طرفی.
۲. اصل جامعیت.
۳. اصل عدم ارزش داوری.
۴. اصل مستند بودن داده‌ها.
۵. اصل پویایی دانشنامه.

استاد مظفری در ادامه و بعد از استماع نقد کارشناسان فرمودند در مقام دفاع نیستم ولی چند نکته را باید توضیح دهم:

نکته اول: در دانشنامه مدخل‌ها باید وحدت موضوعی داشته باشند یعنی در هر مدخل فقط پیرامون موضوع همان مدخل باید توضیح داده شود، در بعضی موارد امکان مدخل‌یابی وجود دارد مثلاً در ارزش‌گان ما با توجه به رعایت وحدت مدخل چندین مدخل درست کردیم ولی این کار نسبت به بامیان ممکن نبود لذا ما در جایش مدخل‌ها را مطرح خواهیم کرد و برداشت دوستان که برخی موضوعات نادیده گرفته شده از این جهت است که ساختار دانشنامه نویسی اجازه نمی‌دهد و باید در جای خودش به آنها پرداخته شود.

نکته دوم: ملاک‌های ما در انتخاب مدخل‌ها ملاک‌های کمی است نه کیفی، مثلاً در اعلام ما کسانی را مدخل قرار می‌دهیم که به نوعی در اجتماع فعال بوده و یا آثاری از آنها نشر شده، ممکن است کسانی باشد که عالم زمان خود باشد و دارای فضل و تقوی و... اما هیچ نشانی از او در جامعه دیده نمی‌شود لذا نمی‌توانیم چنین شخصی را مدخل قرار دهیم.

نکته سوم: مدخل‌های زیادی که بیش از چهارهزار می‌شود فقط ما در بخش الف و ب استخراج نموده ایم که هنوز برای آنها منبع و مدرک نیافتیم که تلاش داریم اسناد معتبر بیابیم.

نکته چهارم: در بعضی مدخل‌ها که اطلاعات نادرست ثبت شده به این دلیل است که در منابعی که به کاربردیم غلط ثبت شده، مثلاً آب ایستاده غزنی را از کتاب آقای عظیمی که جغرافیدان مشهور است و آثاری هم دارد نوشتیم اگر اطلاعات نادرست است نویسندگان منبع نادرست نوشته.

نکته پنجم: در بحث داوری یکسری مشکلات مبثائی وجود دارد برخی از آنها درست نیست ما هم پذیرفتیم اما بعضی دیگر سوء تفاهم است، به باور من ارزش‌های یک جامعه همان واقعیت‌های موجود در آن جامعه است مثلاً ما در دانشنامه ۱۶۰ فرد معرفی کردیم و همچنین آثاری که همین افراد نوشته و این‌ها

ارزشها و فکت های جامعه ماست.

دکتر عبدالمجید ناصری

دکتر عبدالمجید ناصری نیز ضمن تقدیر از عوامل دانشنامه هزاره با توجه به اصولی که استاد مظفری مطرح نمودند دانشنامه را از جهات گوناگون دچار نقص و اشکال دانستند:

۱. در بخش اعلام قاعده مندی رعایت نگردیده است:

الف) خیلی از شخصیت هائی که به عنوان اعلام آورده شده اگر به همین صورت پیش برود کمیت دانشنامه خیلی بالا می رود.

ب) به زندگی نامه برخی شخصیت ها بیش از حد پرداخته شده و بعضی دیگر اندک.

ج) جامع بررسی نشده.

ه) بی طرفانه بررسی نشده، از برخی جریانات از لحاظ کمی و کیفی زیاد پرداخته شده و از جریانات رقیب سرسری و گذرا رد شده.

۲. در بخش جغرافیا هم مشکل وجود دارد علاوه بر اشکالات محتوایی و نادرستی اطلاعات روستاهایی با بیست خانوار مدخل قرار گرفته در حالیکه برخی روستاها با بیش از دوهزار خانوار مدخل قرار نگرفته.

۳. در مسئله ارزش ها برخی ارزش ها جزو لاینفک یک جامعه است مثل مساله امامت که باید آورده می شد و حتی بدون امام ضامن و امام زمان و... ما نداریم اما رویکرد کلان امامت زدائی باشد بنده قبول ندارم.

۴. شهادت، جهاد و ارزش های دیگر در دل مباحث می آید و باید اصلاح شود.

۵. شورش بار منفی دارد و از نگاه علمی نیز درست نیست زیرا ارزش داوری منفی است، مقاومت های هزاره ها چه قبل از عبد الرحمن و چه بعد از آن

همه جنبه دفاعی داشته و مردم ما مظلومانه دفاع کرده و این عذر که چون در فلان منبع آمده ما آوردیم قابل قبول نیست چون این منبع ها از باب غرض ورزی و در راستای سیاست تبعیض و ستم ذکر نموده.

۶. نقد منابع یکی از اهداف نقد است، منابع باید نقد و آنچه از دل آن بیرون می آید باید محققانه استفاده شود نه مقلدانه و غرض ورزانه، مثلا کتاب پت خزانه (گنج پنهان) سراسر دروغ است و می گوید مناطق مرکزی افغانستان کلا پشتون نشین بوده و... یا اسطوره شکسته و امثال آن که سراسر فح شنامه و توهین نامه است آوردن اینها به عنوان منبع نشان دهنده وهن و بی اعتباری دانشنامه است و باید حذف گردد.

۷. گرچه در جنگ های داخلی ما کشته های زیادی دادیم و هر گروه برای خود شهید تراشیدند (و کشته های دیگران را غیر شهید) دوستان دانشنامه نویس از این دورنما وحشت دارند لذا از واژه شهید و جهاد و مقاومت اجتناب می کنند اما باید تفکیک قایل شوند و آنهاییکه واقعا شهید شدند و تمام اقوام و مذاهب به عنوان شهید و وحدت ملی می شناسند باید آورده شوند و جهاد و مقاومت های برحق ما باید شرح داده شود.

۸. اصل دانشنامه مورد قبول همه است و ضرورت آن را هیچ کس انکار نمی کند اما دانشنامه هزاره قبل از موعدهش متولد شده؛ چون زیرساخت هایش آماده نیست اولاً ما باید کتاب های جغرافیایی متعدد و کامل داشته باشیم همچنین کتاب های تاریخی کامل و دقیق داشته باشیم و نسبت به شخصیت های برجسته ما بحث شده باشد و ابعاد مختلف شخصیتی آنها مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته باشد، در باره جغرافیای هزاره در کشورهای همسایه اطلاعات جمع آوری شود، از منطقه سبزواری تا خاک ایران و دره هزاره پنج شیر سرزمین هزاره بوده و همچنین در کشورهای همسایه مثل مرو در ایران ده هزاره در بخارا و... وقتی شما در داخل

افغانستان اطلاعات ناقصی از جغرافیای هزاره ارائه می‌کنید چگونه مناطق خارج از افغانستان را شناسایی می‌کنید.

۹. با توجه به نکات فوق دوستان باید اولاً شتاب را کمتر کنند دوماً از نقد و همکاری نقادان و نویسندگان استقبال کنند و اصلاحات جدی را اعمال نموده و جلد اول اصلاح شده را با جلد دوم باهم چاپ کنند.

دکتر جواد محسنی

ایشان مهم‌ترین نقد و اشکال دانشنامه هزاره را در «هویت‌زدایی» از قوم هزاره دانسته و سخنانش را چنین آغاز نمود:

دانشنامه هزاره، همان‌گونه از عنوانش پیدا است، دانشنامه‌ای قومی است و علی‌القاعده باید گزارش‌گر صادق و بی‌طرفانه فرهنگ و هویت قومی هزاره باشد. به عبارت دیگر دانشنامه هزاره باید هویت هزاره را همان‌گونه که بوده و هست، روایت کند.

هر نظام معنایی - همچون منظومه شمس - حول محور یک معنای بنیادی و کانونی شکل می‌گیرد که سایر معانی را یا به استلزام منطقی جذب و یا به تنافی و تعارض منطقی طرد می‌کند؛ مثلاً در اسلام، به عنوان یک نظام معنایی، الله/توحید همان معنای کانونی است که مفاهیم سازگار با توحید را به استلزام منطقی جذب و مفاهیم منافی با توحید را به تناقض منطقی طرد می‌کند. این مفهوم کانونی در فرهنگ تشیع «امامت» است که آن هم برخی مفاهیم را به استلزام منطقی جذب و برخی معانی دیگر (خلافت، جور، غلبه، استبداد، و امثال آن) را به تناقض منطقی طرد می‌کند. امامت در واقع، جوهر تاریخ سیاسی شیعه است و بسیاری از مفاهیم ارزشی و هنجاری دیگر در فرهنگ شیعه از قبیل جهاد، دفاع، شهادت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، قیام، نظام جور، استبداد و امثال آن، تنها حول این محور معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

تغییرات بنیادین و سرنوشت‌ساز اجتماعی که در طی آن جامعه‌ای نابود می‌شود و به جای آن جامعه‌ای دیگر با هویت جدید متولد می‌شود، در گرو تغییر همین معنای کانونی فرهنگ است.

کم‌ترین انتظاری که از اصحاب دانشنامه می‌رود این است که با مراجعه به عمق ذهن و روان انسان هزاره، ابتدا باید به لایه‌های مختلف معنایی فرهنگ آنان دست یابند و سپس صادقانه (به صدق معرفت‌شناختی و اخلاقی) به گزارش آن پردازند و به این طریق دانشنامه‌ای بیرون دهند که گزارش‌گر صادق، بی‌کم‌وکاست و جامع نمادها، مفاهیم و معانی باشد که انسان هزاره در طول تجربه زیست فرهنگی و تاریخی خود آنها را آفریده و با آن زندگی کرده است.

محمد یوسف تقدسی:

آیا «دانشنامه هزاره» توانسته است گزارش‌گر صادق فرهنگ و هویت هزاره

باشد؟

دکتر محمد جواد محسنی:

اصحاب «دانشنامه هزاره» با شعار «تحقیق بر اساس روش علمی» وارد میدان و در این عرصه متأسفانه به مفهوم قرن نوزدهمی و منسوخی از علم متوسل شده‌اند؛ مفهوم پوزیتویستی. رویکرد پوزیتویستی با مهمل و بی‌معنا دانستن مفاهیم، ارزش‌ها و گزاره‌های دینی، مابعدالطبیعی و اخلاقی، از ابتدا در قبال این معانی و ارزش‌ها موضع منفی و طرد و انکار در پیش می‌گیرد. این موضع، به رغم شعارهای بی‌طرفی، فراغت ارزشی و ...، به شدت ارزش‌داورانه و غیرعلمی و حتی غیراخلاقی است. طبق این رویکرد، خطا است اگر ما فکر کنیم که جماعت مؤمنان در یک کلیسا یا مسجد، به عبادت خدای‌شان مشغول هستند، بلکه حقیقت عبادت جمعی آنان تقویت همبستگی اجتماعی آنان است.

در قبال پوزیتویسم رویکردی دیگر درباره علوم اجتماعی در آلمان شکل گرفت که معتقد بود مطالعه پدیده‌های انسانی جز با رویکرد تفسیری و نگاه از درون فرهنگ امکان ندارد.

طبق این رویکرد، هر فرهنگ را باید فارغ از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها، تمایلات عاطفی و جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی شخصی پژوهشگر، و فقط از ذهن و زبان صاحبان آن فرهنگ روایت کرد نه آن گونه که محقق می‌خواهد باشد، روایت کند. این دقیقاً همان موضعی است که متأسفانه در دانشنامه نادیده گرفته شده است.

به عنوان نمونه در دانشنامه هزاره مدخل‌های «امامت»، «امام»، «اهل بیت» به عنوان یک مقام و موقعیت دینی و معنوی، و امامان شیعه؛ امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، تا امام دوازدهم، همگی، حذف شده‌اند و به «امام اعظم؛ ابوحنیفه» پیشوای فقهی هزاره‌های اهل سنت، نیز مدخلی اختصاص نیافته است. حذف این مدخل‌ها (مخصوصاً حذف مدخل «امامت» که معنای کانونی فرهنگ شیعی است) با توجه به جایگاه اساسی این مفاهیم در نظام معنایی مردم هزاره چه توجیهی دارد؟ در حالی که در مدخلی تحت عنوان «امام صادق»، گزارش یک پایگاه نظامی در منطقه علاءالدینی غزنی (ص ۶۰۹-۶۱۰) آمده است، اما مدخلی به خود «امام صادق (ع)» به عنوان پیشوای مذهبی شیعیان هزاره اختصاص نیافته است؛ اگر این دانشنامه راوی صادق فرهنگ هزاره است، آیا خود امام صادق (ع) به اندازه این پایگاه نظامی علاءالدینی در فرهنگ هزاره جایگاه ندارد؟

در واقع، مشکل اساسی و بنیادین دانشنامه، تقلیل‌گرایی پوزیتویستی آن است که زمینه تحریف هویت فرهنگی هزاره را فراهم آورده است. نویسندگان با تقلیل بسیاری از مفاهیم مذهبی موجود در فرهنگ هزاره، به مفاهیم و معانی سکولار و به نظر خودشان خنثی، ناآگاهانه به تخریب بنیادهای هویتی هزاره اقدام کرده و در

بسیاری از موارد به خیال فرار از ارزش‌داوری مثبت، نه تنها از روایت صادق ارزش‌ها و هویت قوم هزاره باز مانده، بلکه به دام ارزش‌داوری منفی در قبال معانی ارزشی موجود در فرهنگ هزاره گرفتار آمده‌اند؛ به عنوان نمونه، تقلیل پیامبر گرامی اسلام، به محمدبن عبدالله (در مدخل «اسلام» ص ۴۴۸)، تقلیل جهاد به جنگ، تقلیل شهادت به کشته شدن و امثال آن.

من از نویسندگان دانشنامه می‌پرسم: آیا هزاره مسلمان، اعم از شیعه و سنی، پیرو محمدبن عبدالله، عرب قریشی ساکن حجاز، است؟ یا پیرو پیامبری که مهبط وحی الهی و مبلغ آن بود؟ اگرچه منصب نبوت، به لحاظ مصداقی، به شخص محمدبن عبدالله (ص) داده شد، اما اگر به کسی دیگر هم اعطا می‌شد، آیا هزاره مسلمان خود را موظف به پیروی از او نمی‌دانست؟ همین طور هزاره شیعه آیا خود را پیرو علی‌بن‌ابی‌طالب، حسن‌بن‌علی، و حسین و ... غیره می‌داند یا پیرو «امام علی»، «امام حسن»، «امام حسین» و ...؟

بر همین قیاس است عناوین مذهبی «جهاد»، «مجاهد»، «شهادت»، «شهید»، «آیت‌الله»، «آخوند» و ... به همین جهت، در فرهنگ هزاره «شهید مزاری» مساوی با «عبدالعلی مزاری» نیست؛ اگر انسان هزاره عاشق مزاری است، عاشق «عبدالعلی» بچه «حاجی خداداد» نیست، بلکه عاشق آن مزاری‌ای است که برای او «شهید» شده است و جان خود را در راه آرمان‌های متعالی هزاره فدا کرده است. اگر مزاری، نه، هر زید و بکر دیگری همان کار مزاری را می‌کرد، ما امروز عاشق سینه چاک همو می‌بودیم.

اگر دانشنامه‌نویسان محترم به خود زحمتی دهند به یکی دو نفر از آزره‌هایی که در جنگ‌های مقابل دولت کمونیستی و دولت نام نهاد ربانی مشارکت داشته‌اند، مراجعه کنند و از آنها بپرسند که شما چه می‌کردید؟ جواب آنها چیست؟ می‌گویند «شورش»، «جنگ»، «مخالفت با دولت» و ... می‌کردیم یا می‌گویند: جهاد می‌کردیم و

از خانه و کاشانه و ناموس و حقوق سیاسی و اجتماعی و بودن مان دفاع می‌کردیم؟ اگر آنان، خود، کنش‌شان را دفاع مشروع، مقاومت، جهاد و امثال آن می‌دانند، دانشنامه‌نویسان محترم چه حق دارند، معنایی دیگر به کنش آنان نسبت دهند؟ آیا این تحریف هویت فرهنگی هزاره نیست؟

بدون شک، تقلیل پیامبر اسلام به محمد بن عبدالله، حذف و یا تقلیل امام علی و سایر امامان شیعه به علی و حسن و حسین و ...، تقلیل جهاد، شهادت، شهدا، مجاهدین و امثال آن به جنگ و شورش، قتل و کشته شدن، مقتول، مخالفین حکومت، و ...، نه تنها راوی نظام معنایی قوم هزاره نیست، بلکه تحریف هویت فرهنگی هزاره است که سرانجام به هویت‌زدایی از آن منجر می‌شود.

گفته‌اند: هر که در برابر ظلم و ستم سکوت کند، جانب ستم‌گر را گرفته است، متأسفانه دانشنامه هم در اثر علم‌زدگی پوزیتیویستی، با تقلیل دادن مفاهیم «جهاد»، «شهادت»، «قیام عدالتخواهانه» و «مقاومت مشروع دفاعی» آنان - حتی مقاومت دفاعی هزاره‌ها در برابر عبدالرحمن و اداره ربانی و شورای نظار - به «کشته شدن»، «قتل»، «جنگ»، «نبرد»، «مخالفت با دولت»، «شورش» و امثال آن، در جبهه ستم‌گر قرار گرفته و از همین منظر به تحلیل جهاد و مقاومت عدالتخواهانه آنان پرداخته، و نه تنها صداقت و بی‌طرفی ارزشی و به تعبیر پیترو برگر «الحاد روش‌شناختی» را رعایت نکرده، بلکه در دام یک ارزش‌داوری بسیار شدید منفی گرفتار آمده است؛ در حالی که در هیچ فرهنگ بشری - حتی سکولارترین فرهنگ - دفاع با تجاوز، ستم‌گری با عدالت‌خواهی، حق‌کشی با حق‌طلبی و امثال آن یکی پنداشته نمی‌شود. در سکولارترین فرهنگ هم کشته یک افسر پلیس یا مدافع میهن، با کشته یک تروریست، متجاوز به میهن و یا قاچاقچی، معانی متفاوتی دارند و با یکدیگر برابر پنداشته نمی‌شوند. شاید از منظر پوزیتیویستی، کشته شدن یک گوسفند، یک افسر پلیس و یک قاچاقچی یا تروریست، چون در هر سه مورد قطع تنفس و توقف

حیات مادی است - یکی باشد، اما در فرهنگ انسانی میان این کشتگان تفاوت معنایی بسیاری وجود دارد.

مشکل دیگر این دانشنامه، هویت‌زدایی تاریخی از هزاره است. آیا من هزاره با مراجعه به این دانشنامه چه تصویری از گذشته فرهنگی خود به دست می‌آورم؟ پیشینیان من چه نقش و جایگاهی در آفرینش، رشد و شکوفایی این فرهنگ در تاریخ داشته‌اند؟ من خودم شخصاً به تصویری مشخصی دست نیافتم. به عنوان مثال من نه «اوستا» را در آن دیدم و نه «ایران» را، نه «ابن سینای بلخی» و «ابو خالد کابلی» را در آن مشاهده کردم و نه «ابوالقاسم فردوسی»، «ابوریحان بیرونی»، «ابوحنیفه کابلی»، «ابوالفضل بیهقی» و بسیاری از فرهنگ‌سازان دیگر گذشته را.

در پایان این نکته را هم نباید نادیده گرفت که دانشنامه در گزارش بسیاری از مدخل‌ها، اسامی اماکن و قبایل، و نیز آداب و رسوم هزارگی، به هویت‌زدایی زبانی روی آورده و به جای تکیه بر لهجه و گویش هزارگی، با لهجه ناب تهرانی یا کابلی گزارش شده است: مثلاً «استخوان بدل» به جای «ایستغو بدلی» (ص ۴۳۶)، علاءالدینی به جای «آلودینی» (ص ۶۰۹)، «آسیاب» به جای «آسیه» (ص ۱۰۸-۱۱۵) و...

مشکل دیگر این دانشنامه، غفلت از جغرافیای تاریخی هزاره است که ظاهراً منشأ این عدم توجه به جغرافیای تاریخی و نیز نقش هزاره‌ها در تاریخ فرهنگی و فرهنگ تاریخی خراسان و ایران، این بوده که نویسندگان محترم دانشنامه، نام «هزاره» را که نامی نسبتاً متأخر و ابداعی از حدود قرن هفتم به بعد است و شاید تصحیفی از «آزره» یا «آزره» باشد، به سراسر گذشته تاریخ سرایت داده و به همین جهت حتی مدخلی به «آزره» یا «آزره» اختصاص نداده‌اند.

پرسشی که در این جا باید به جد مطرح و بررسی شود این است که آیا «هزاره» مفهوماً و مصداقاً با «آزره» یا «آزره» یکی است؟ به لحاظ زبان‌شناسی

باستانی - تاریخی نسبت «آزره» با «آذر»، «آذری»، «خزر»، «خزازه» و امثال چیست؟ آیا به لحاظ ریشه‌شناسی زبانشناختی «آزره» یا «آزره» اصلاً می‌تواند نسبت خویشاوندی با «هزاره» که مفهومی عددی است داشته باشد یا نه؟ احتمالاً به دلیل قیافه ترکی - مغولی مردم هزاره و نزدیکی نام «آزره» یا «آزره» با هزاره که مفهومی عددی است و گفته می‌شود واحدهای هزار نفری در لشکریان چنگیزخان بوده است، چنین تصحیفی صورت گرفته باشد. احتمال تصحیف با نظریه‌ای که می‌گوید زبان آذری‌ها نیز قبل از سلطه ترکها، غیرترکی بوده، بیشتر تقویت می‌شود.

سزاوار این دانشنامه این بود که یا در مقدمه و یا با اختصاص مدخلی به «آزره» و «آزره» به تعریف موضوع دانشنامه می‌پرداختند و به لحاظ واژگانی، مفهومی، تاریخی، جغرافیایی، زبانی و ... موضوع دانشنامه را به صورت روشن تعریف و مشخص می‌کردند.

علاوه بر موارد یاد شده، موضع‌گیری منفی دانشنامه نسبت به جریان عدالت خواهی از باب تأکید یادآوری می‌گردد؛ معرفی شهید مزاری با «اسطوره شکسته» و مصطفی کاظمی با «آفتاب بی‌غروب»، «واقع» نامیدن و سرپوش‌گذاری روی فاجعه افشار، عدم استناد در گزارش آن به منابع بی‌طرف مثل نبی عظیمی، ارائه آمار دروغ از شهدا و اسرای افشار با استناد به منابع غیرمعتبر، طرح برخی اتهامات بی‌پاسخ به جریان عدالت‌خواهی با استناد به اسطوره شکسته یا برخی از آثار مرحوم زاهدی که هر دو از موضع معاندت با شهید مزاری و جریان عدالت‌خواهی قلم زده و منبع بی‌طرف و علمی به شمار نمی‌روند، گوشه‌ای از عنادورزی حداقل برخی از اصحاب دانشنامه با جریان عدالت‌خواهی را برآفتاب می‌اندازد.

سرانجام این که دانشنامه متأسفانه وحدت رویه در مورد اشخاص و القاب را نیز حفظ نکرده است؛ مثلاً لقب «آیت الله» در متن دانشنامه قبل از نام بسیاری از

بزرگان، از جمله آیت الله خوبی، آیت الله شهید محمدباقر صدر و امثال ایشان (مثلاً در مدخل آخوندکوه بیرونی و آخوند زریافته) به کار رفته است، اما قبل از نام بسیاری از بزرگان هزاره مانند آیت الله آخوند خراسانی، آیت الله آخوند کوه بیرونی، آیت الله انصاری مالستانی، آیت الله محقق کابلی، آیت الله فیاض و ... ، بی دلیل و بی جهت حذف شده است!

عبدالعلیم برهانی

عبدالعلیم برهانی پس از تبیین اهمیت و ضرورت دانشنامه و ارج نهادن به نویسندگان آن نقد دانشنامه را نیز لازم و ضروری دانست:

دانشنامه هزاره محصول برنامه‌ریزی، تلاش و تفکر جمعی نخبگان جامعه هزاره است. بدین جهت، باید در دانشنامه قوت و قدرت علمی و فرهنگی جامعه هزاره تجلی پیدا کند. هدف بنیادین دانشنامه این است که دانشنامه سیمای انسان هزاره، فرهنگ، تاریخ و میراث به تاراج رفته و هویت کتمان شده این قوم (قوم به معنای فرهنگی و نه خونی و نژادی آن) را به آنان باز گرداند و با روش و متد علمی به تحریف تاریخی سیمای هزاره در دایره‌المعارف‌ها، مجله‌ها، فیلم‌نامه‌ها، رمان‌ها و دانشنامه‌ها پاسخ منطقی و مستدل گفته و داشته‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی این قوم را آن‌گونه که هست معرفی کند، نه آن‌گونه که دیگران تاکنون ترسیم کرده‌اند.

پرسش اساسی این است که دانشنامه نیز نیازمند بررسی دقیق و نگاه نقادانه

است، که آیا به این هدف دست یافته است یا نه؟

فهرست نقایص و کاستی‌های دانشنامه هزاره

۱. نقض بی طرفی علمی؛

۲. جهت‌گیری‌ها سیاسی آشکار؛

۳. عدم جامعیت در مدخل‌یابی و مدخل‌گزینی؛
 ۴. حاکم نبودن روش و رویه یکسان؛
 ۵. عدم انسجام و بی‌دقتی در ثبت وقایع، رویدادها، مکان‌ها؛
 ۶. کتمان ارزش‌های جامعه هزاره؛
 ۷. عدم توازن در پردازش مقالات و موضوعات؛
 ۸. عدم اتقان و استحکام بسیاری از مطالب و گزاره‌ها و سندسازی‌های بی‌دلیل؛
 ۹. عدم ارتباط برخی مدخل‌ها به جامعه هزاره؛
 ۱۰. عدم ارزیابی دقیق و عدم ویرایش فنی
- فرصتی برای توضیح همه این موارد نیست اما به چند مورد، به صورت گذرا اشاره می‌کنم:

یکم: نقض بی‌طرفی علمی

در چند مدخل از جلد اول، غیر مستقیم به رهبر شهید استاد مزاری (ره)، آثار مرتبط به ایشان و مقاومت غرب کابل ارتباط می‌گیرد، مدخل‌های «احیای هویت»، «اسطوره شکسته» و «از محرم تا حوت: قبله خون» به رهبر شهید ارتباط می‌گیرد، دانشنامه در پردازش این موارد به نحوی و با ظرافت‌های خاصی سیمای رهبر شهید را مخدوش جلوه داده‌اند که من به صورت مصداقی، به مدخل‌های مرتبط به رهبر شهید و مقاومت غرب کابل اشاره می‌کنم:

الف) بحث شهادت؛ در تمامی موارد، به تقلید از دانشنامه‌ها و رسانه‌های غربی، در دانشنامه هزاره از واژه «کشته شدن» استفاده می‌کند. واژه‌های شهادت و جهاد و مقاومت و گفته‌اند بار ارزشی دارند و حذف کرده‌اند در حالی که در بخش سوم شیوه نامه، ذیل سیاست‌های کلی دانشنامه در نقل و استفاده از منابع آمده است: «شهید، شهادت، شهدا استفاده نمی‌شود جز در اسامی و عنوان‌های ثبت شده

و رسمی.» شهید مزاری، بر اساس فرمان رسمی ریاست جمهوری و دولت افغانستان «شهید وحدت ملی» خوانده شده و این عنوان در تقویم کشور ثبت شده و هم رسمی است. دانشنامه بر خلاف همین شیوه نامه خود عمل کرده است.

ب). یکی از مدخل‌های دانشنامه، کتاب "از محرم تا حوت: قبله‌ی خون" است. نویسندگان در این مدخل پس از معرفی موضوعات کتاب، به صراحت آن را ارزش‌گذاری می‌کند و می‌نویسد که «نویسندگان در ماه‌های بعد از کشته شدن عبدالعلی مزاری قلم می‌زند، تحت تأثیر جو عاطفی آن روزها قرار دارد» (دانشنامه، ص ۴۲۰). بدین‌گونه می‌کوشد کتاب را بی‌ارزش و بی‌اهمیت نشان دهد.

ج) احیای هویت؛ دانشنامه مدخل کتاب «احیای هویت (مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید)» و موضوعات کتاب کاملاً ناقص و با جهت‌گیری خاص گزارش داده است. در گزارش از عنوان اولین سخنرانی با جهت‌گیری خاص می‌نویسد: «نقش نیروهای مردمی و جهادی در شورش‌ها». با آن‌که رهبر شهید هیچگاه از واژه منفی "شورش" در سخنان خود استفاده نکرده است. عناوین و موضوعات بعدی سخنرانی‌های رهبر شهید را نیز به صورت در هم‌ریخته در یک پاراگراف کوتاه قالب کرده است (ر.ج: دانشنامه، ص ۲۸۴). محتوای اصلی کتاب که در فهرست و عناوین اصلی آمده است، اصلاً گزارش داده نشده است. اما وقتی همین نویسندگان، کتاب مجهول‌الهویه اسطوره شکسته را (که سراسر کتاب توهین و دشنام به استاد مزاری است) معرفی می‌کند، برخلاف این رویه و با تمامی طول و تفصیل گزارش می‌دهد و دو ستون و یک صفحه کامل دانشنامه را به توصیف این کتاب اختصاص داده است (ر.ک: دانشنامه، ص ۴۴۵). و آن را کتاب تحلیلی قلمداد می‌کند.

دوم: جهت‌گیری سیاسی

تاریخ جهاد و مقاومت غرب کابل و بامیان از مقاطع حساس تاریخ حیات

سیاسی مردم ما است. اما در دانشنامه هزاره بنیاد مقاومت عدالتخواهانه غرب کابل و بامیان را از اساس تخریب و ویران کرده است، در مدخل استاد اکبری "اکبری محمد". با اتکا به منابعی نامعتبری چون غلام حسین آزادی، مصباح زاده و مرحوم زاهدی (هر سه از مخالفان سرسخت رهبر شهید)، استاد اکبری به داشتن روحیه‌ی صلح طلبی و تمایل به توافق با گروه‌های هفتگانه معرفی و در مقابل، رهبر شهید به عدم توافق و جنگ طلب و تمایل به جنگ بر سر وزارت متهم شده است (ر.ک: دانشنامه، ص ۵۶۲). آغاز جنگ‌های غرب کابل، سهم‌خواهی جامعه هزاره قلمداد شده است (دانشنامه، پیشین). نویسنده القا می‌کند که استاد اکبری خواهان "توقف جنگ" و رهبر شهید خواهان "ادامه جنگ" بوده است. مطمئناً توصیف کارنامه یک چهره سیاسی (اکبری) و پیوند دادن آن به عملکرد یک حزب سیاسی، آن‌هم تنها با استناد به منابع موافق و دسته‌چندم، بدون توجه به منابع بی طرف و فرضیه‌های رقیب و در نهایت، نه با روش تحقیق علمی سازگار است و نه با قاعده بی طرفی. شایسته بود نویسنده حداقل در مورد علل بروز جنگ‌ها و حوادث مقاومت سه‌ساله غرب کابل به منابع بی طرفی مانند «اردو و سیاست» جنرال نبی عظیمی و «هفته‌نامه وحدت» آن دوره نیز مراجعه می‌کرد.

سوم: عدم جامعیت در مدخل‌گزینی و مدخل‌نویسی

یکی از مشکلات اساسی دانشنامه، در بخش مدخل‌یابی و مدخل‌گزینی است. من از مناطق دیگر افغانستان اطلاع دقیق ندارم، اما در بامیان چون اشراف دارم، متوجه هستم که اطلاعات داده شده ناقص و اشتباه است.

مناطق و جغرافیای مهمی مانند «آچه‌قل»، «آهنگران»، «اقرباط» شایسته بود که به عنوان مدخل در حرف الف‌گزینش و به خوانندگان معرفی می‌شدند.

در قسمت آثار؛ هیچ‌یک از کتاب‌های «امر به معروف و نهی از منکر»، «اسلام و راهکار مقابله با چالش‌ها»، «امام و انقلاب اسلامی افغانستان»، از مرحوم

استاد عرفانی یکه‌اولنگی و کتاب «بامیان سرزمین شگفتی‌ها» از کاظم یزدانی و «آثار عتیقه بامیان در هزارستان» از موسیو گودار و پروفیسور هاکن، ترجمه احمدعلی خان از دانشنامه معرفی نشده‌اند.

چهارم؛ اطلاعات آماری غلط

در بخش اطلاعات راه‌های منتهی به بامیان - کابل و نیز فاصله کوتل آجه‌گگ/ حاجی‌گگ تا بامیان و کابل نیز دانشنامه اطلاعات مغشوش و متناقضی را به خواننده می‌دهد.

پنجم: چندگانه نویسی و عدم پیروی از الگوی داده شده

در قسمت نام‌گذاری کوتل آجه‌گگ آمده است که ترجیح این است که صورت اصلی و صحیح این نام «آجه‌گگ» باشد (ص ۷۵) اما دانشنامه خود از این ترجیح پیروی نمی‌کند و به صورت مرتب از این کوتل به «حاجی‌گگ» یاد می‌کند (ر.ک: ۸۵۸، ۷۵، ۸۶۲، ۸۵۹ و...). و البته از این بی‌دقتی‌ها در دانشنامه فراوان می‌توان یافت. اسامی را به چند نوع نوشته‌اند: یورد و یورت (منطقه در بهسود و در مسیر بامیان) (ص ۷۲) محمدکریم خلیلی و عبدالکریم خلیلی، خاک افغان و خاک ایران زابل (ص ۵۹۴).

ششم: تأیید مجعولات تاریخی

اینکه «بر اساس روایتی تاجیک‌ها ساکنان بومی بامیان دانسته می‌شوند» (ص ۸۵۶) از مجعولات تاریخی و از اشتباهات دانشنامه است. همان‌گونه که آورده‌اند هزاره‌های "دره هزاره" در پنجشیر، ادعا دارند که آن‌ها از نه پشت پیش در اینجا ساکن بوده‌اند، اما سند ندارند. ادعای عجیب و بدون ضرورت است. هیچ‌کدام از ساکنان یک ولایت از نه نسل پیش سکونت خویش در یک ولایت، سند ندارند.

ششم: حذف ارزش‌ها از جامعه هزاره

بسیاری از مفاهیم ارزشی مانند جهاد، مقاومت، ایثار، شهادت و امام... در دانشنامه به بهانه ارزشی بودن حذف شده است. وقتی مفاهیم ارزشی از قاموس هزاره حذف می‌شود در واقع، جامعه هزاره از هویت حقیقی و اصلی خود تهی می‌شود.

در نهایت، اگر قرار است دانشنامه هزاره بازتاب‌دهنده‌ی تاریخ، فرهنگ، هنر، ارزش‌ها و باورهای انسان و جامعه هزاره باشد، بایستی تمامی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی، اعتقادی و مذهبی آن، همانگونه که در جامعه ظهور و بروز دارد، به نحو یکسان و غیر جانب‌دارانه مطرح گردد.

نتیجه و بازتاب نقد و بررسی دانشنامه هزاره

نقدهای که از سوی علما، دانشجویان و دانشگاهیان چه در فضایی مجازی و چه در فضای حقیقی بخصوص نشست علمی «نقد و بررسی دانشنامه هزاره» که از سوی انجمن علوم سیاسی و مجمع علما و طلاب افغانستان در قم و با حضور استاد ابوطالب مظفری رئیس علمی دانشنامه هزاره برگزار شد، باعث شد شورای علمی دانشنامه نقدهای ناقدین را پذیرفته و اعلامیه ذیل را در فضاهای مجازی و در سایت دانشنامه منتشر نماید:

بیانیه بنیاد دانشنامه هزاره در ارتباط با نقدها

سه شنبه ۱۶ دلو ۱۳۹۷

انتشار سلسله پاسخ‌های شورای علمی و مدیریتی دانشنامه، تلاشی بود جهت تبیین مبانی نظری و بیان محدودیت‌های عملی دانشنامه و نیز رفع پاره‌ای ابهامات موجود. این پاسخ‌ها به هیچ‌وجه به این معنی نبوده است که دانشنامه دارای نواقص نیست. هم‌چنین، به این معنی نیز نبوده است که ما نواقص و معایب کار خود را قبول نکرده و از خود رفع تکلیف کنیم و با نا دیده انگاشتن نقد و نظر خوانندگان

و منتقدان گرامی، بار مسئولیت را از دوش شورای علمی برداریم. از تمامی کسانی که در طول هفته‌های گذشته با ارایه نقدهای خود، نسبت به اهمیت و جایگاه تدوین دانشنامه دغدغه خویش را ابراز داشته‌اند، سپاس‌گزاریم.

شورای علمی دانشنامه در این مدت با شنیدن نظرهای کارشناسان و مؤلفان دانشنامه، شرکت در جلسات نقد و بررسی، مشورت و نظر خواهی از اندیشمندان و مجامع فرهنگی و نیز بررسی دقیق نقدهای مطرح شده در فضای مجازی به نتایج با ارزشی دست یافته است. باید اذعان کرد که حساسیت و اهتمام جدی خوانندگان گرامی و تذکر کاستی‌های راه‌یافته در دانشنامه، حتی با بیان‌های تند و احیاناً تلخ، مجموعه‌ای از نواقص و کمبودهای مجلد کنونی را آشکار کرد و عزم ما را بیش از پیش برای ادامه راه جزم‌تر ساخت. محتوای این نقدها، صرف‌نظر از نحوه بیان آن‌ها، غنیمت بزرگی برای رفع نواقص و تکمیل این پروژه‌ی بزرگ و مهم است.

شورای علمی و مدیریتی دانشنامه بدون توجیه و استدلال مدافعه‌گرایانه، وجود کاستی‌های جلد اول دانشنامه را می‌پذیرد و وظیفه خود را پیش از پرداختن به تدوین جلد‌های بعدی، اصلاح، تکمیل، بازبینی و ویرایش مجدد و باز چاپ جلد اول می‌داند. دفتر دانشنامه اینک در حال گردآوری، دسته‌بندی و بررسی نقدهای صورت گرفته است. امیدواریم با استفاده از مجموع آن‌ها و نظرات بیشتری که در طول دوره رسیدگی، بازنگری و اصلاح جلد نخست دریافت می‌داریم و نیز ادامه همکاری بی‌دریغ حامیان علاقه‌مند و دلسوز دانشنامه، هرچه زودتر ویراست دوم جلد نخست دانشنامه را تقدیم خوانندگان و علاقه‌مندان کنیم.

اما قبل از همه لازم می‌دانیم برای اطمینان بخشیدن به علاقه‌مندان دانشنامه و زدودن نگرانی‌های پیش‌آمده، چند نکته را به‌عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی تقدیم کنیم:

یکم. هرچند در روند تولید جلد اول دانشنامه هزاره، افراد و اشخاص

مختلف از تاجران و افراد خیر گرفته تا فرهنگیان دلسوز، نویسندگان، کارشناسان و مشاوران دانشنامه برای به ثمرنشدن این پروژه مهم نقش ایفا کرده‌اند، اما شورای علمی و مدیریتی دانشنامه هزاره مسؤولیت تمامی کاستی‌ها، نقایص و کوتاهی‌های راه یافته در جلد نخست را به عهده می‌گیرد.

دوم. در روند بازبینی تلاش خواهد شد، محتوای همهٔ نقدها، انتقادات و پیشنهادات، در صورت حصول اطمینان از صحت، درستی و مستند بودن آن‌ها به صورت اساسی در اصلاح ویراست جدید، مورد استفاده قرار گیرد. برای این که رفع نواقص و کار تکمیل دانشنامه به وجه درست پیش رفته و معایب و نواقص به حد اقل ممکن برسد، از خوانندگان و منتقدان گرمی خواسته می‌شود که مستندات و منابع نقدهای خویش را بخصوص به منظور رفع نواقص معلوماتی و محتوایی از طریق پنجره‌های وبسایت دانشنامه (www.hazaranica.com) در دسترس دفتر دانشنامه قرار دهند تا اصلاحات هرچه مستندتر و دقیق‌تر انجام شود.

سوم. همان‌گونه که در مقدمهٔ دانشنامه یادآوری شده است، ارتباط و نظرخواهی مستمر با مشاوران و کارشناسان بخش تعریف‌شده و لاینفک کار تدوین جلد اول بوده و نظر این کارشناسان و مشاوران در تنظیم و تدوین پاره‌ای از مدخل‌ها به صورت جدی لحاظ شده است. با این وصف، با آشکارشدن مجموعه‌ای از نواقص موجود روشن شد که این نظرخواهی و مشاوره در حد کفایت صورت نگرفته است. از این رو، نظرخواهی از محققان و مشورت‌های دقیق با آنان در روند بازنگری و تجدید نظر متخصصان برای تصحیح، اصلاح و تکمیل کاستی‌های جلد اول دانشنامه از ضرورت‌های بنیادین ادامهٔ کار است. شورای علمی و مدیریتی دانشنامه به زودی پس از تجدید نظر، سازوکار تازه‌ای را برای مشاوره و نظرخواهی هم برای تکمیل پروژه جلد اول و هم برای ادامهٔ کار بنیاد دانشنامه روی دست خواهد گرفت. در این ساز و کار تلاش می‌شود روند تصحیح، اصلاح و

بازبینی کامل جلد اول با مشارکت جدی گروه گسترده‌ای از محققان، صاحب‌نظران و استادان دانشگاه همراه باشد و اصلاح و تصحیح با مشارکت آن‌ها صورت گیرد. از این لحاظ، پیشاپیش از اعلام همکاری محققان در روند اصلاح و بازبینی جلد اول و همچنین مشارکت آن‌ها در ادامه کار دانشنامه استقبال می‌شود.

چهارم. همانگونه که عده‌ای از خوانندگان و منتقدان گرامی به صورت کتبی یا شفاهی در نقدهای خود به درستی یادآوری کرده‌اند، کاستی‌ها و نواقصی در جلد اول دانشنامه راه یافته است. برای رفع این نواقص، شورای علمی و مدیریتی دانشنامه به‌طور مشخص، تصمیمات زیر را نهایی کرده‌اند:

۱. کتاب «اسطوره شکسته» با توجه به یکی از معیارهای مندرج در شیوه نامه دانشنامه؛ یعنی نگاه حداکثری به آثار مربوط به هزاره‌ها یا آثار تولید شده توسط آنان، یکی از مدخل‌های دانشنامه قرار گرفت و معرفی شد؛ اما پس از مشوره با کارشناسان و مشاوران که اغلب آن‌ها با استناد به دلایلی چون جریحه‌دار شدن احساسات عمومی و نگاه افراطی و غیرمستند این اثر، با آوردن آن در دانشنامه نظر مثبتی نداشته‌اند، در روند بازبینی از فهرست مدخل‌های دانشنامه حذف خواهد شد.

۲. **اصطلاح شورش، شورش‌های و مشتقات آن** که در برخی از مدخل‌ها به کار رفته، پس از مشوره با کارشناسان و مشاوران با اصطلاحات دیگری جایگزین خواهند شد. این را هم بیفزاییم که کلمه شورش به عنوان یک اصطلاح علوم اجتماعی بسته به شرایط و سیاق جمله ممکن است جایگزین دقیق و مناسب دیگری نداشته باشد. در هر صورت رهنمای ما در این‌گزینه‌ها، مشوره با کارشناسان و اهل نظر خواهد بود.

۳. **مدخل افشار** نیز جزء مواردی است که از نظر منتقدان محترم به طور کامل و مطلوب در دانشنامه به آن پرداخته نشده است. باید یاد آور شد که افشار در جلد نخست، به عنوان یک مکان معرفی شده و تذکر داده شده است که به «فاجعه

افشار» به عنوان یک مدخل ارجاعی جداگانه در جای خود و در ذیل حرف مربوط به ترتیب حروف الف- بایی دانشنامه به تفصیل پرداخته خواهد شد. اما گویا این اشاره مورد توجه بعضی از منتقدان گرامی قرار نگرفته و تصور کرده‌اند که تمام رویداد مربوط به حادثه افشار در همین حد است. با این وصف، این مدخل نیز به لحاظ پرداختن به فاجعه افشار بازنگری محتوایی می‌شود و البته پردازش مشروح قتل عام افشار در ذیل مدخل «فاجعه افشار» خواهد آمد.

۴. **برخی از مدخل‌ها نظیر احیای هویت، ابوذر انقلاب، از محرم تا حوت، محمد اکبری، سیدحسین انوری، ابوذر غزنوی، امروز ما و چند مورد دیگر از نظر رعایت اصل بی‌طرفی و پرهیز از داوری، مورد بازبینی جدی قرار گرفته و بازنویسی خواهند شد.**

۵. **تامین توازن در مدخل‌ها:** شماری از مقالات بویژه مقالات مربوط به معرفی کتاب‌ها از نظر حجم، متوازن و متناسب نبوده‌اند و همین نکته باعث شده که از آن‌ها سوگیری‌های سیاسی و جناحی تعبیر شود. در روند بازبینی، این موضوع نیز به دقت بررسی شده و تلاش می‌شود توازن میان حجم، محتوا و اهمیت آثار برقرار شود.

۶. **درستی اطلاعات مدخل‌های مناطق و قریه‌ها:** با توجه به دشواری انجام مطالعات میدانی، نقص اطلاعات دریافت شده از سوی نهادهای رسمی نظیر وزارت احیا و انکشاف دهات، وزارت معارف، احصائیه مرکزی و دیگر نهادهای رسمی و همچنین کمبود اطلاعات افراد مطلع مصاحبه شونده، تمایل طبیعی مصاحبه شونده‌گان به بزرگنمایی، اشتباهاتی در درج اطلاعات مناطق و قریه‌ها روی داده است. در روند بازبینی تلاش خواهد شد با انجام مصاحبه‌های تکمیلی و تحقیقات میدانی، از صحت و درستی اطلاعات ارائه شده در این مدخل‌ها اطمینان حاصل شده یا با معلومات و اطلاعات دقیق‌تر اصلاح شوند. هرچند شاید رساندن

خطای معلوماتی به حد صفر یا نزدیک به آن در شرایطی که بسیاری از منابع
معلوماتی اعتبار علمی کامل ندارند، کاری دشوار و حتی غیرممکن باشد.